

متن پیشگفتار کتاب ازدواج

راه طولانی‌ست، تنها رفتن سخت. انسان برای طیّ این مسیر همراه می‌خواهد و او که خلق کرده از همه بهتر این نیاز را می‌شناسد. پروردگار برای مخلوق خود همسری آفریده است، همراه و هم‌مسیری.

ازدواج کهن‌ترین سنت بشری‌ست، با قدمتی به درازای تاریخ، قرن‌ها تجربه. عجیب است که هنوز، امّا و اگرهای بسیاری دارد و برای هر جوانی مهم‌ترین دشواری زندگی. سؤالاتی بی‌جواب و ابهاماتی بی‌پایان.

سال‌ها پاسخگوی پرسش‌های جوانان بودم؛ مجرد و متأهل. گرفتاری‌های گوناگون را دیدم و پاسخ هر کدام را یافتم، جلسات مشاوره فراوان. چه شباهت‌های بسیاری در این میان، در لابه‌لای مشکلات زنان و مردان جوان.

دنبال نوشتن یک راهنمای ساده بودم، چیزی مانند یک کتاب جمع و جور؛ «هندبوک»، دم‌دستی و روان، به دور از مقدمات و اطناب‌های مخلّ. آن‌چه پیش روی شماست با این نگاه تدوین شد.

متن‌ها کوتاه است؛ مختصر و مفید. قدم به قدم، گام به گام، از نخستین مرحله حرکت؛ «انگیزه»، تا آخرین؛ «عروسی». چالش‌های هر یک بیان شده، راه‌حل‌ها هم.

خیلی‌ها اصلاً از اول اشتباه می‌کنند، هدف‌شان از ازدواج نادرست، توقع‌شان غلط، انگیزه‌شان مسیر درستی طیّ نکرده. راه به جایی نمی‌برد. این ازدواج پریدن از چاله به چاه است، مثلاً برای فرار از افسردگی به ازدواج پناه ببرد؛ یا به خاطر شکستی که در عشق پیشین دارد، یا اعتیاد، یا حسادت و خشمی نسبت به دوستان، چشم و هم‌چشمی چه بسا. این‌ها در همان گام اول بیراهه رفته‌اند.

ازدواج باید دلیل درستی داشته باشد. بهانه‌ها را باید شناخت. وقت مناسب برای ازدواج. انتخاب همسر نمی‌تواند چشم‌پسته انجام شود؛ اول خود را و بعد، ویژگی‌های یک همسر خوب. هر که امید بسته شریک زندگی را پس از ازدواج تغییر دهد، خود را فریفته؛ بی‌حجاب با حجاب شود، لجباز اصلاح، بی‌نماز بانماز، تندخو آرام.

از خواستگاری تا شناخت، از عقد تا عروسی، فرآیندی معمولاً خسته‌کننده و طولانی، پر از اضطراب و نگرانی. در این کتاب پاسخ پرسش‌هایی را می‌یابید که امروزه اکثر مردم با آن مواجه‌اند، بلافاصله پس از آن‌که قدم در این راه می‌گذارند.

آخرین بخش کتاب را اختصاص دادم به مطالبی ویژه؛ پرسش‌هایی که در سایر فصول جای نمی‌گیرند، اما پُرچالش و گریبان‌گیر. مثل: ازدواج موقت، ازدواج مجدد، استخاره برای ازدواج، دعانویسی، روابط پیش از ازدواج و چندین مورد مشابه.

هر روز هم صحبت جوانانی می‌شوم که «ناآگاهی» به مسیر جدایی‌شان کشیده. آرزو می‌کنند کاش پیش‌تر می‌دانستند، آن‌چه امروز فهمیده و یاد گرفته‌اند، همین مطالبی که در این کتاب پیش روی شماست، هم‌اکنون.

تنها امیدم خداست؛ این تحفه کوچک را از باقیات صالحات قرار داده، تا در حشر به کار آید و در دنیا به کار مردم؛ مفید باشد و کارآ، بندگان را از خطا و اشتباه حفظ کند، به وجهی که راضی باشد.